

چرا حزبات پیروز است؟

نطق تفصیلی محمدباقر قالیباف
درباره تحلیل وضعیت جبهه مقاومت
پس از شهادت رهبر جانفدای حزب الله
سید حسن نصرالله رضوان الله

۱۴۰۳/۷/۸



Ghalibaf.ir

پایگاه اطلاع رسانی محمدباقر قالیباف



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ
قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا**

شهادت سیدحسن نصرالله، سید شهیدان
مقاومت و رهبر شجاع و باتدبیر جبهه مقاومت،
دل مسلمانان و آزادی خواهان جهان را به درد
آورد و یک بار دیگر، خاطره تلخ فقدان شهید
سلیمانی را زنده کرد. این بار نیز کثیف ترین
انسان ها، دست به ترور ناجوانمردانه یکی دیگر از
اولیای خدا زدند که با مبارزه مؤثر و ماندگار با
بزرگ ترین دشمنان بشریت بیشترین خدمت را به
انسانیت کرد.

**شهادت شاگرد اول مکتب امام خمینی را به
بزرگ معلم این مکتب، یعنی رهبر حکیم انقلاب،
تبریک و تسلیت می گویم و از خداوند متعال
استدعا می کنم که ما نیز بتوانیم در کلاس درس
این مکتب نمره شهادت را کسب کنیم.**

امید داریم شهید سیدحسن نصرالله و شهید حاج قاسم سلیمانی با ظهور حضرت ولی عصر (عج) بار دیگر در پیروزی نهایی جبهه حق بر جبهه باطل نقش آفرینی مستقیم کنند و از خداوند متعال تقاضا می‌کنیم دیگر فرماندهان و شهدای مظلوم مقاومت در لبنان را با سید شهیدان مقاومت محشور کند.

در حدود یک سال گذشته، شاهد قلاده پاره کردن سگ هاری بودیم که از انسانیت بویی نبرده و انواع جنایت‌های بشری را، که تاریخ تاکنون به خود ندیده است، بدون هیچ‌گونه شرمی و بی‌ترس از واکنش جدی بین‌المللی مرتکب شده است؛ این دشمن جنایتکار، علی‌رغم اینکه هیچ محدودیتی در رعایت مرزهای انسانی برای خود قائل نبود، در میدان به اهداف خود نرسیده و شکست خورده است. لذا وارد مرحله جدیدی از جنگ پیچیده ترکیبی شده و تلاش می‌کند با ترکیب عملیات‌های ترور و جنگ روانی، فرماندهان مقاومت را حذف و شالوده ذهنی و پشتوانه مردمی جبهه مقاومت را تخریب و از این طریق، شکست خود را به پیروزی تبدیل کند. **شناخت کامل از طراحی پیچیده دشمن و برنامه‌ریزی دقیق ترکیبی در قبال آن**، که ان شاء الله منجر به شکست دشمن خواهد شد، امری لازم است که تلاش می‌کنم در ادامه به نکات اصلی اشاره کنم.

تبیین دقیق‌تر آن وظیفهٔ نخبگان و تحلیلگران است:

بسیار مهم است که توجه کنیم **خلاف تصویری که در ذهن برخی ایجاد شده، این رژیم صهیونیستی نیست که دست برتر را دارد.** بلکه برعکس، به دلیل شکست‌های بزرگ، بقا و موجودیت رژیم به خطر افتاده و از روی استیصال و برای جبران شکست‌های راهبردی خود، روش‌های تاکتیکی ترور و عملیات روانی را در پیش گرفته است. برای اینکه مشخص شود ضعف رژیم صهیونیستی صرفاً یک ادعا نیست باید اشاره کنم که احساس امنیت عنصر حیاتی برای بقای این رژیم محسوب می‌شود، **چراکه این رژیم بر پایهٔ وعدهٔ رفاه و آسایش به ساکنان سرزمین‌های اشغالی بنا گذاشته شده و بدون احساس امنیت هیچ سرمایه‌گذاری و پیشرفت و رفاهی قابل‌تصور نیست.** عملیات طوفان‌الاقصى باعث شد توهم امنیت که رژیم صهیونیستی برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی ساخته بود، به یک باره فروبریزد. این رژیم با فضاسازی رسانه‌ای بر روی عناصری همچون گنبد آهنین و دیوار حائل و قدرت اطلاعاتی توانسته بود برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی احساس امنیت خیالی ایجاد کند، به گونه‌ای که همه بر این باور بودند که هیچ‌گاه در خاک خود در معرض خطر قرار نمی‌گیرند، اما **عملیات طوفان‌الاقصى به تمام**

ارکان راهبردی و هویت‌ساز آن‌ها ضربه‌کاری زد و همه‌گزاره‌های امنیت‌ساز را باطل کرد و باعث شد توهم امنیت به ترس پایدار برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی تبدیل و بقای این رژیم در معرض خطر جدی قرار گیرد. رژیم برای بقای خود چاره‌ای جز بازسازی توهم امنیت ندارد، لذا ناچار بود وعده‌حذف حماس و آزادی اسرا و ایجاد دولتی جدید در غزه را بدهد، اما بعد از کشتار گسترده مردم غزه، نه تنها به هیچ کدام از اهداف اعلام‌شده نظامی و سیاسی خود نرسید و نتوانست خیال ساکنان سرزمین‌های اشغالی را از خطر غزه آسوده کند، بلکه جبهه‌های جدیدی از کرانه باختری، لبنان، عراق، یمن و حتی ایران گشوده شد. **ترس پایدار از نبود امنیت در داخل سرزمین‌های اشغالی تشدید شد و روند اضمحلال موجودیت اسرائیل سرعت بیشتری گرفت.**

بر این اساس، تا زمانی که رژیم صهیونیستی نتواند گروه‌های مقاومت مانند حماس و حزب‌الله و دیگر ارکان مقاومت را، که به صورت یکپارچه عمل می‌کنند، حذف کند، نمی‌تواند امنیتی پایدار برای خود ایجاد کند و بیش از گذشته موجودیت خود را در خطر فروپاشی خواهد دید.

این رژیم با کمک تمام حامیان غربی و عربی خود، از هنگامی که به این جمع‌بندی رسید که توان پیروزی در میدان را ندارد و با حملات هوایی

نمی‌توان پیروزی راهبردی کسب کرد، طراحی جدیدی را شروع کرده‌است که بر اساس آن با نفوذ اطلاعاتی و ترور عناصر مؤثر جبهه مقاومت و با جنگ روانی پیچیده‌ای که در پیش گرفته است، تلاش می‌کند ساختارهای عملیاتی جبهه مقاومت را تضعیف کند. و در ادامه از یک طرف شالوده ذهنی نیروهای مقاومت را تخریب و از طرف دیگر برای سربازان و نیروهای داخلی خود تصور پیروزی ایجاد کرده تا از این طریق بتواند در جبهه نظامی و راهبردی هم به پیروزی برسد. به عبارت دیگر، ما **از جنگ نظامی، که رژیم در آن شکست خورده است، وارد جنگ اراده‌ها شده‌ایم و پیروزی از آن کسی خواهد بود که در اراده پیروزی‌اش خللی ایجاد نشود.**

آنچه گفته شد به معنی شکست رژیم در میدان جنگ نظامی و توان او در عملیات ترور و عملیات روانی است، اما این رژیم در تحلیل خود دچار خطای محاسباتی شده است، که بی‌تردید باعث شکست دوباره‌اش می‌شود. خطای محاسباتی در این است که جبهه مقاومت بر پایه مبانی عمیق قرآنی و بر اساس باور به سنت‌های الهی ایجاد شده است. گرچه نقش اشخاص در این جبهه حتماً مؤثر است و شهادت بزرگ‌مردی مثل شهید سیدحسن نصرالله لطمه‌ای جدی به جبهه مقاومت خواهد زد، اما شهادت اشخاص شالوده کار را مختل نمی‌کند و نه تنها در اراده نیروهای

مقاومت خلی ایجاد نمی‌شود، بلکه براساس متن آیات قرآن کسانی که در انتظار شهادت به سر می‌برند با آرامش و اطمینانی که خدا بر قلب‌های آنان نازل می‌کند و با ایمانی بیشتر و اراده‌ای قوی‌تر جهاد را ادامه می‌دهند. اگر قرار بود با رفتن افراد راه مقاومت به شکست بینجامد، با شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی نباید امروز شاهد این همه پیروزی و پیشرفت در جبههٔ مقاومت می‌بودیم. علاوه بر آن، ساختارهای حزب‌الله در طول چند دهه به‌گونه‌ای نهادینه شده است که نقصان نبود فرماندهان فعلی در زمانی کوتاه ترمیم می‌گردد. بر این اساس، با پیروزی جبههٔ مقاومت در جنگ اراده‌ها خواهیم دید که ارکان مختلف مقاومت با کمک جمهوری اسلامی ایران، به‌صورتی یکپارچه، قدرتمندانه به رویارویی با رژیم ادامه خواهند داد و شکست این رژیم در میدان نبرد استمرار خواهد یافت و در نتیجه تصویر پیروزی در جبههٔ دشمن در مدتی کوتاه فروخواهد ریخت و به‌زودی مشخص خواهد شد که ممکن است با عملیات ترور مقاومت ضربه بخورد، اما این پیروزی‌های مقطعی و تاکتیکی نمی‌توانند جای شکست‌های راهبردی را بگیرند و امنیت از دست‌رفته باز نخواهد گشت؛ ساکنان سرزمین‌های اشغالی امید خود را برای آینده بیش از گذشته از دست خواهند داد و سرعت

اضمحلال موجودیت اسرائیل شدت بیشتری خواهد گرفت.

نکته مهم دیگری که ضروری است به آن پرداخته شود موضع جمهوری اسلامی در برابر جنایت‌های باند ترور صهیونیستی است. ما حمایت از مقاومت را اقدامی بر اساس باورهای عمیق انسانی و اسلامی و همچنین حفظ و تقویت مقاومت را بخشی از ارکان استراتژیک تأمین امنیت ملی و امنیت منطقه در برابر تجاوزگران صهیونیست می‌دانیم و **بر اساس حکم شرعی رهبر انقلاب در کمک به مقاومت تا هر سطحی که لازم باشد به خود تردید راه نخواهیم داد.** همچنین معتقدیم رژیم صهیونیستی با پشتیبانی‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، مالی، رسانه‌ای و بین‌المللی آمریکا اقدامات جنایتکارانه خود را طراحی و اجرا می‌کند و ایالات متحده در تمام این جنایت‌ها شریک جرم است و تا زمانی که رژیم صهیونیستی را مجبور به رعایت چارچوب‌های انسانی و بین‌المللی نکرده است باید تبعات آن را بپذیرد.